

## محله‌های تهران

**محله عودلاجان**: محدود به خیابان جلیل‌آباد (خیام) و آرک کاخ گلستان و بیوتات سلطنتی تا ناصریه (ناصر خسرو) و حدود شمال بوذرجمهری شرقی و بازار عودلاجان یا بازار کلیمیه‌ها و محله کلیمیه‌ها و پامنار و جنوب خیابان چراغ گاز یا چراغ برق (امیرکبیر) و میدان توپخانه (میدان سپه)

**محله سنگلج**: محدود به خیابان خیام تا انتهای شمال تا میدان حسن‌آباد و خیابان شیخ هادی و پاستور و پهلوی جنوبی (امیریه) و پل امیرنهاد (خیابان بین میدان شاهپور و سهره امیریه) و بازارچه قوام‌الدوله تا خیابان خیام

**محله بازار**: انتهای خیابان ناصر خسرو در امتداد خیابان خانیقانه (خیابان بوذرجمهری) تا انتهای بازار بزرگ (بازار بزازها) و بازار چهل تن در جنوب و متمایل به طرف شرق تا خیابان ماشین دودی یا گارماشین (خیابان ری)

**محله چاله میدان یا چالی میدان**: محدود به حدود جنوب بازار چهل تن و امامزاده سیداسماعیل و میدان مال‌فروش‌ها و میدان امین‌السلطان و گمرک و خانی‌آباد و دروازه غار و باقاپوق (میدان اعدام یا میدان محمدیه)

**محله دولت**: عبارت از حدود خیابان لاله‌زار، خیابان شاه‌آباد، خیابان اسلامبول، خیابان علاءالدوله (فره‌وسی)، خیابان لختی (خیابان سعدی)، خیابان واکن‌خانه (خیابان اکباتان)، خیابان عین‌الدوله (خیابان ایران)، خیابان دوشان‌تپه (خیابان زاله) خیابان نظامیه (خیابان پهلرستان)، دروازه شیران، دروازه دولت و متعلقات آن که بعد از محله سابق‌الذکر به وجود آمده و جزو محلات جدیدالاحداث و غیرقابل اعتنای شهر به حساب می‌آمد.

### عکس‌های یادگاری با تهران



## دیگ پلوی انگلیسی

همزمان با مهاجرت علما به قم در دوران مشروطه (برای اعتراض به عدم تأسیس عدالتخانه)، عده‌ای از تجار به سرکردگی محمدتقی بنگار نیز از ترس جان‌شان با هدایت برخی کارکنان ایرانی سفارت انگلیس مانند حسینقلی‌خان نواب که از اعضای تشکیلات فراماسونری بود، به این سفارت پناهنده شدند و مدت زمانی به طول بینجامید که حیاط سفارت انگلیس مملو از این‌گونه افراد شد. جادرهای اصناف برپا شد، دیگ‌های پلو بار گذارده شد و خوراها قند و چای توزیع شد. و این مقدمه‌ای بود تا خواسته‌های انگلیسی‌ها محقق شود!



«قاف‌ها به تهران رسیدند» ابتدا یک خبر از باز شدن پای میهمانانی مسلح به پایتخت بحراندیده تهران بود اما گذر زمان این میهمانان را تبدیل به میزبانان بیشتی از نیم قرن پایتخت کرد. رفت و آمد قراق‌ها تغییری در ضرب‌المثل ایرانی‌ها ایجاد نکرد و آنها هم با استقبالی خوب وارد تهران و با بدرقه‌ای تند و توفانی از تهران اخراج شدند.

## ورود متفقین به تهران – شهریور ۱۳۲۰

برای نخستین‌بار زمستان از شهر یوروماه آغاز شد، مردمی که تا چند ساعت قبل مشغول

گوش دادن به اخبار میبحگاهی رادیو و پیگیری اخبار حمله متفقین به تهران بودند، زمانی

که منزل‌شان را ترک می‌کردند با شهری اشغال شده و رژه تانک‌هایی مواجه شدند که خبر

از پایان رفاقتی کوتاه‌مدت با متحدین داشت. تهران خیلی سریع‌تر از آنکه شاهش فکر کند اشغال شده بود!



تهران بر سر زمان همه مردم جهان افتاده بود و شاید تا آن زمان هیچ‌گاه پایتخت ایران به این اندازه خبرسازي نکرده بود. «روزولت»، «چرچیل» و «استالین» میهمانان ناخوانده پایتختی اشغال شده برای تعیین سرشوت دومین جنگ جهانی بودند. میزان محرمانه بودن این دیدار و حساسیت‌ها باعث شده بود اکثر نیروهای حکومتی ایران هم پس از چند روز از آن مطلع شوند. تهانی‌ها تا آمدند بهفمند در شهر شان چه شطرنجی بر گزار شده، مهره‌ها به کشورهایی‌شان برگشته بودند.



گروه یادآور ناصرالدین شاه ۵۰ سال سلطنت کرده شاید برابر یا بیشتر از عمر برخی دوره‌های حکومتی در ایران و زمان زبانی‌د از دوره قاجار. این ۵۰ سال با اتفاقات مهمی همراه بود. تهران که از ابتدای قاجار به عنوان پایتخت معرفی شده بود، در سیست و یکمین سالگرد سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، به دلایل متعدد که یکی از آنها افزایش جمعیت بود، از حالت قدیم خود درآمد. کلنگ نقرهای تهران جدید و در واقع کلنگ توسعه تهران در یازدهم شعبان ۱۲۸۴ ق، ۱۳۱۷ و ۱۲۴۶ شمسی توسط خود ناصرالدین شاه به زمین خورد و دارالخلافه ناصری شد. تهران که دارای مرکزیتی مشخص بود، از اطراف توسعه یافت و خندق‌هایی در اطرافش ایجاد شد. دروازه‌هایی در پیرامون شهر با شکل‌هایی زیبا و کاشی‌کاری و مناره کوچک ساخته شد و شهر وسعت یافت. ناصرالدین شاه چند سال بعد و پس از اینکه از نخستین سفر اروپایی خود بازگشت، طرح توسعه تهران را جدی‌تر گرفت و از شیوه اروپاییان در ایجاد شهرها متاثر شد. نخستین تأثیر، گسترش شهر از چهارسو بود. خیابان‌ها در نتیجه این گسترش چهارسویه احداث شدند و شهر گسترش پیدا کرد.

ایسن سرای تهران که پیش از انتخاب از سوسی اقامتخدخان قاجار به پایتختی ایرانیش پیش نبود، موقعیتی مهم به حساب می‌آمد. خان قاجار صفا به این واسطه که تهران منطقه‌ای خوش آب و هوا و نسبتاً به مرکز نزدیک بود، این شهر را به پایتختی حکومت نوپای خود انتخاب کرده بود. شیوه سنتی حکمرانی در دوران اقامتخدخان، فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار، قلمه‌ای با باروها و دیوارهای کشیده را به عنوان «تهران» برای سفرنامه‌نویسان خارجی معرفی می‌کند. برج باروهاي در چهار گوشه و شبیه به قلعه‌های نظامی اما بزرگ‌تری از نمونه‌های پیشین و همین بزرگی و وسعت البته موجب شد از آن قلعه کمتر نشانه‌ای برای نسل‌های بعدی باقی بماند. تهران هم هنوز با محل حکمرانی حکومت‌های قبلی فاصله داشت و البته تا نزدیک به ۱۰۰ سال پس از تأسیس قاجار نیز نتوانست زیبایی و در عین حال ویژگی‌های دیگری که «شهر‌ها» را به آن می‌شناسند، پیدا کند. ویژگی‌هایی که در شهرهای چون اصفهان، پایتخت امپراتوری صفوی که در زمان خود یکی از پیشرفته‌ترین و زیباترین شهرهای جهان بود، مشهود بود. در واقع تهران به این دلیل که پیشینه شهری مناسبی نداشت، توسعه شهری خود را باید از «صفر» شروع می‌کرد؛ شاید از همان کلنگی که ناصرالدین شاه در ۱۲۸۴ق بر زمین زد. با این همه توسعه تهران سرعت مناسبی نداشت. در همین سال‌هاست که امپراتوری عثمانی در مجاورت ایران، خطوط راه‌آهن را توسعه داده و راه‌آهن بین دمشق و مدینه را احداث می‌کند. در ایجاد دیوار و دستنگاه‌های دیگر مدن تأسیس مدارس نوین، خانه سالن‌ها و عثماني تا زاید از «صفر» گرفته بود اگرچه دیرالقیون سال‌ها پیش از این در تهران تأسیس شده بود اما با قتل امیرکبیر توسط خاقان‌ش، اقامات پیشروانه و اصلاحی‌اش تاکم ماند.

با این فاصله در شهری شدن را مباشر سفارت عثمانی در تهران در رسالتی تحت عنوان «بران» به خط خود تنظیم کرده و به دولت عثمانی داده است؛ رسالتی که لعل آن در کتابخانه هر کوی دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود و درباره شرایط سیاسی – اجتماعی تهران در ۱۳۱۱ق توضیح می‌دهد که بخشی از آن توضیح جغرافیایی تهران است. «شهر تهران با جمعیتی متجاوز به ۲۵۰ هزار نفر در قسمت شرقی جلگه‌ای به مساحت ۲ هزار و ۵۰۰ کیلومتر مربع بنا شده است. هوايش گرمی کردی ولی سالم است. قسمت خارجی اینیه

نقشه تهران در زمان قاجاریه



برونده‌ای به بهانه سالگرد آغاز تأسیس تهران جدید

# قریه‌ای بود و شهری شد!

### نقشه طهران قدیم

تهران صورت آ ضلعی ناقص‌الاضلاعی داشت که با خندقی که به دوش خفر کرده بودند از راه‌های اطرافش جدا می‌شد و از تباط آن با خارج شهر تنها به وسیله دروازه‌هایی بود که اطرافش ساخته شده بود. خندق عبارت بود از مجاری عمیقی که جهت حفاظت شهر خفر شده بود. و هنگام حمله دشمن در آن آب می‌پسندند و از تباط شهر یا خارج به وسیله پل‌های چلویی دروازه‌ها برقرار می‌شد. عرض خندق بین ۶ تا ۱۰ ذرع و عمق آن تقریباً ۴ ذرع بود و این آخرین خندق شهر بود که در زمان ناصرالدین‌شاه خفر شده، محدوده شهر را نسبت به برج و بارو‌هایی که در عهد شاه طهماسب صفوی کشیده شده بود و بیش از یک فرسخ محدوده نداشت از ۴ برابر وسعت بغشیده بود. حدود جغرافیایی تهران در زمان مورد بحث عبارت بود از: شمال: از شرق به غرب، به طول خیابان شاهروا تا نرسیده به پیچ‌شمیران تا کمی بعد از چهارراه کالج که به شکل مایل به طرف غرب و خیابان ۳۰ متری منند می‌شد. غرب: از زیر چهارراه شاه چهارراه

گلی است و بدین‌جهت منظره عمومی شهر حالت دلگیرانه‌ای دارد. کوه‌ها تنگ و غیر منظم می‌باشند. اخیراً جاده‌های قسمت شمالی شهر توسعه پیدا کرده و طریق جاده‌ای که به سفارتخانه‌ها منتهی می‌شود درختکاری شده تهران دارای بازار سرپوشیده بزرگی است. شهر با قلعه خاصی محصور و بیرون قلعه خندقی به عمق ۱۵ متر دورادور شیب را احاطه کرده و در جهات مختلف قلعه دروازه‌های متعدد موجود است که مأموران گمرک در این دروازه‌ها از واردات و صادرات شیه حقوقی گمرکی اخذ می‌نمایند. برای راه‌ای از هوای هر تهران در تابستان از کمربات‌ها که به مسافت ۳ ساعت از تهران در قسمت شمالی قرار دارد استفاده می‌شود. قراه شمیران اکثر اوقاتله‌های خاکی محصور است. در اطراف شهر چون جنگل وجود ندارد و محل و نقل مصالح ساختمانی از خارج مشکل است. بدین جهت ساختمان‌ها با خشت خام بنا شده و فقط در گوشه و در و پنجره‌ها آجر مصرف می‌نمایند و از چوب درختان تیریزی که در اطراف شهر به قوت آبیاری به عمل آورده‌اند استفاده می‌شود. در پوشش سقف خانه‌ها نی‌هایی را که از رشت می‌آورند، به کار می‌برند و روی آن‌ها خاک می‌ریزند و سپس روی خاک کاه‌گی می‌مالند، چون مقاومت نی خیلی کم است هر دو سه سال یکبار پوشش سقف خانه‌ها را تعویض می‌نمایند. می‌تاذک دارای استحکام زیاد نبوده و مستعد خراب شدن می‌باشد. اطرها به درواور، حایط‌ها بنا شده و پنجره‌های آن مشرف به حیاط خانه است. در این اواخر ایران و اشراق که درصدد تجدید بنا هستند و ساختمان‌های خود را با چوب‌های ساج که از هندوستان می‌آورند می‌سازند.

سرهنگ «احمد امین» وابسته نظامی و مباشر سفارت عثمانی در تهران در ادامه می‌آورد: «هر مسافت چند ساعته از شهر جاهایی دیده می‌آید. آنها را تا شهر ممتد کرده‌اند و بدین وسیله آب در شهر می‌رسند. عملیات احداث این چاهما بر پنج بوده بود. جهت در تصرف نرودستان و اکثر می‌باشد و از این رو دانشا دجار کم‌آبی است. مجرای آب‌ها در داخل شهر برخلاف خارج شهر سرپوشیده نیست و هر هفته یا هر ۱۵ روز یکبار آب در محلات شهر جاری می‌شود. عموم اهالی محل در اطراف جوی‌های آب مجتمع و به غسستن لباس و سایر لزوم مشغول می‌شوند و پس از آنکه آب را بدین

اواخر دوره ناصری یک پارود کسیکال از تضادهای میان سنت و مدرنیته بود.

مثلاً در بافت‌های سنتی ساختمان‌هایی با سبک جدید ساخته می‌شد. این موضوع البته با رضایت مردم همراه نبود. از طرفی در طرح توسعه جدید، استحکامات نظامی در اطراف شهر آسیب جدی دیده بود. توسعه شهری اقتدر برای ناصرالدین شاه دارای اهمیت بود که در دوره او مسافت پیرامونی شهر از ۳ کیلومتر به ۱۹ کیلومتر افزایش پیدا کرد. با از بین رفتن باروها و استحکامات نظامی عملاً آسیب‌پذیری تهران افزایش پیدا کرده بود؛ موضوعی که بارها تهران را مورد تهدید قرار داد و در نهایت در کودتای سپوم اسفند ۱۲۹۹، رضانخان قراق پراختی و از دروازه‌های شکلی که در دوران ناصری ساخته شده بود، بی‌آنکه مقاومتی ببیند با نیروهای قزاق وارد تهران شد. یکی از اقامات کم‌کار کرد برای حکومت قاجار، مدرنیزاسیون شکلی‌ای بود که با توجه ویژه ناصرالدین شاه همراه بود. در این بین البته مکان‌هایی که برای استفاده عموم در نظر گرفته شده بود، با اعتراض کمتری مواجه شد. ناصرالدین شاه دقیقاً به تقلید از آنچه در سفرهای اروپا دیده بود، مکان‌هایی از جمله سینما، کافه و بازارهایی همانند آنچه در فرانسه بود در تهران ایجاد کرد. هرچه در دوران صفویه و در طرح نوسازی عهد عباس، معماری ایرانی و اسلامی مورد توجه ویژه قرار گرفته بود، ناصرالدین شاه، متاثر از اروپا، تغییر و شکل دادن به تهران جدید را پیش گرفت. او البته این کار را با از بین بردن بافت سنتی انجام نداد، کاری که اتفاقاً رضانخان بر عکس آن عمل کرد و بسیاری از اماکن قدیمی را از بین برد.

به هر روی تهران اگرچه پایتخت شدنش را مدیون اقامتخدخان بود اما «شهر» شدن نصفه و نیمه و درآمدن از حالت یک قریه و قلعه نظامی به یک شهر، محصول دوران ناصری است. از طرف دیگر تغییرات را نهادهای که ایجاد آنها از دوران امیرکبیر آغاز شده بود، در این دوران ۵۰ ساله شکل گرفته نهادهایی که بعدها توسعه بیشتری پیدا کرد و در شهر شدن تهران تأثیرگذار بود. با این همه تصمیمات ناصرالدین شاه به این دلیل که عمدتاً فردی و ناشی از اراده سلطنت و در واقع استبداد شخصی بود، نتوانست ۵۰ سال پایداری او را به دوران ثبات و گذاری موثر و مناسب حداقل در پدیده «شهری شدن» تبدیل کند. و گذار او از دوران سنتی به دوران مدرن، با هزینه‌های فراوان همراه بود. در پایان باید گفت اقدامات ناصرالدین‌شاه در نوسازی و مدرنیزاسیون تهران از چند منظر قابل تأمل است. نخست اینکه وی تهران را که پیش از این بیشتر شبیه یک قلعه نظامی بود و عنوان هر مرکز حکومت قاجار را با خود یدک می‌کشید، به حد و اندازه یک پایتخت مدرن گسترش داد. مساله دیگر ایجاد مکان‌هایی همچون بانک، تئاتر، اقامت‌خانه، مدرسه، علبه و مراکز تجاری و نظامی و نیز منطقی‌ای برای اسکان سفارت خفله‌های سایر کشورها بود که از سوی ناصرالدین‌شاه انجام شد. بی تردید این اقدامات حرکتی مثبت و رو به جلو تلقی می‌شود. با این حال و در کنار تمام این خدمات، باید به این مساله توجه کرد که ناصرالدین‌شاه در حرکتی رادیکال‌ترین مدرنیته نداشت. فهم وی از مدرنیته در سفرهایش به اروپا ایجاد شده بود نه به واسطه تجربه و تفکر دقیق. به همین دلیل بود که برخی تصمیماتی عمدتاً برای خودنمایی انجام می‌شد. دوران حکومت حدوا نیم قرنی ناصرالدین شاه می‌توانست به واسطه ثبات نسبی در کشور، محرک‌های برای حرکت در مسیر توسعه و فراز از عقب‌ماندگی و استعمار باشد ولی این امر هیچ‌گاه محقق نشد.

## دروازه‌های اطراف شهر طهران قدیم



دروازه‌های تهران که جز دروازه ماشین دودی، معماری بقیه‌شان با تفاوت‌هایی شبیه معماری زمان صفویه بود، در زیربنایی به مساحت ۱۰۰ تا ۱۲۰ ذرع مربع در عرض ۱۵ و طول ۸ ذرع برپا شده بود. با این شکل که دهانه‌ای بزرگ در وسط و ۲ گوتوار در ۲ طرف داشت… در هر طرف از جهات چهار گانه شهر ۳ دروازه نیز وجود داشت که عبارت بودند از:

**شمال**: دروازه شمیران (حدود پیچ‌شمیران فعلی)، دروازه دولت و دروازه یوسف‌آباد (چهارراه کالج)
غرب: دروازه باغشاه (انتهای خیابان سپه)، دروازه قزوین (میدان قزوین) و دروازه گمرک (انتهای خیابان امیریه رو به میدان گمرک)
**جنوب**: دروازه خانی‌آباد (میدان خانی‌آباد در محل تلاقی خیابان خانی‌آباد یا مولوی با خیابان شوش)، دروازه غار (حد فاصل بین خانی‌آباد و میدان شوش) و دروازه شاه عبدالعظیم (میدان شوش ابتدای جاده شهر ری)
**شرق**: دروازه خراسان (میدان خراسان ابتدای جاده ری)، دروازه دولاپ (سهره) شکوفه) و دروازه دوشان‌تپه (انتهای خیابان زاله مشرف به میدان لاله) و جداز اینها دروازه‌بی‌سقفی که ماشین دودی یا قاطر حضرت عبدالعظیم از آنجا به شهر ری فعلی رفت و آمد می‌کرد.

### عکس‌های یادگاری با تهران

### قیام ۳۰ تیر–۱۳۳۱

مصدق در اعتراض به اختیار نداشتن ارتش استعفا کرد، شاه رضایتندانه پذیرفت و قوام هم نخست‌وزیر ایران شد. به ظاهر همه‌چیز تمام شده بود اما «ایات‌الله کاشانی» معتزضانه حکم به قیام عمومی داد. تهران خلوت آن روز در عرض چند ساعت عظیم‌ترین تجمع انسانی تاریخ چندصند ساله‌اش را دید. تهران که خلوت شد، مصدق هم دوباره نخست‌وزیر همه این‌ها شده بود.



### کودتای ۲۸ مرداد–۱۳۳۲

از زمان اعلام به گزارش رادیو بی‌بی‌سی «کثون» ساعت ۱۲ نیمه‌شب تهران است تا زمانی که شبان جعفری به رهبری جافوکش‌ها و همراه ملکه خاتم‌الاعشادی به رهبری روسپیان شهرنو تهران را فتح کردند، تنها یک نیمروز گذشت. تهران طولانی‌ترین غروب آفتابش را تجربه کرد و به مدت ۲۵ سال در انتظار طلوعی دوباره تنها نبوی خون را استشمام کرد و صدای گلوله شنید. کودتا شده بود و دولت سقوط کرده بود!

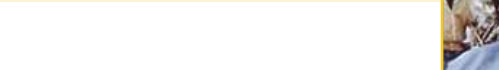


### انقلاب اسلامی–۱۳۵۷

هوا دلپذیر شد گل از خاک بردمید پرستو به بازگشت زد نغمه امید به جوش آمدست خون درون رگ گیاه بهار چرخسته قاف خرامان رسد ز راه «تهران» چیزی شبیه این سروده شده بود، همه با هم می‌خواندند و می‌رفتند!

### بزرگ‌ترین استقبال تاریخ

هوا بیامی امام خمینی ساعت هشت و ۴۵ دقیقه ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ در باندد فرودگاه مهرآباد بر زمین نشستست از فاصله فرودگاه تا بهشت زهرا، ۶ میلیون نفر، بزرگ‌ترین استقبال تاریخ را رقم زدند.



### بزرگ‌ترین تشییع

### تاریخ –۱۳۶۸

ثبت رکورد بزرگ‌ترین اجتماع انسانی برای تشییع پیکر یک رهبر که تنها پسوندی سیاسی نداشته است. پیاپان‌های جنوبی تهران به فاصله ۱۰۰سال بازم به تبدیل به قلب استراتژیک پایتخت ایران شد. بهشت زهرا بار دیگر هر کوی ترین میدان تهران شده بود. یک وداغ ۱۱ میلیونی، هزاران ه و اندوه و ملنی که همنگی صاحب عززا بودند.